

معاملات هرمی از دیدگاه فقه امامیه و حقوق ایران

سید حسین صفایی^{۱*}، رسول مظاهری کوهانستانی^۲، محمد عیسائی تفرشی^۳

۱- استاد گروه حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲- دانشجوی دکتری حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳- دانشیار گروه حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۸۶/۶/۲۰

دریافت: ۸۵/۹/۲۵

چکیده

رشد فزاینده انواع مختلف شرکتهای هرمی و فعالیت‌های گسترده آنها که هیچ ارزش اقتصادی در بر ندارند سبب بروز نگرانیهایی در خصوص آثار زیانبار و ناخوشایند آنها بر تعاملات اقتصادی و اجتماعی گردیده است. از جمله پرسشهای مهم قابل طرح درباره فعالیت چنین بنگاههایی، در خصوص وضعیت حقوقی قرارداد فروش هرمی است. این مقاله در صدد تحلیل چنین قراردادهایی از منظر فقه امامیه و مقررات حقوق موضوعه ایران است.

قراردادهای هرمی از مصادیق اکل مال به باطل و نوعی معامله غرری محسوب می‌شوند و مورد نهی صریح فقهایند و با توجه به اینکه با اظهارات فریبکارانه و شیوه‌های متقلبانه و ایجاد امید واهی اعضای جدید را جذب می‌کنند و آنها به قصد تحصیل منافع موهوم، تن به چنین قراردادهایی می‌دهند، در حالی که محاسبات ریاضی به وضوح نشان می‌دهند که حدود ۹۰ درصد از چنین اشخاصی نه تنها هیچ منفعتی به دست نمی‌آورند، بلکه متحمل ضرر می‌شوند، اثبات می‌گردد که اعتبار چنین قراردادهایی به دلیل کلاهبرداری به‌طور جدی مدوش و برخلاف نظم عمومی است و به دلیل فروش اجباری و اینکه توسعه بازاریابی شبکه‌ای در بیشتر موارد از طریق دوستان و خویشان نزدیک است و پس از زیان دیدن آنها، تخم کینه در دل افراد پاشیده می‌شود و دشمن یکدیگر می‌گردند برخلاف اخلاق حسنه است. نتیجه آنکه مطابق دیدگاه فقه امامیه و حقوق ایران، فروشهای هرمی، معتبر محسوب نمی‌گردد

E-mail: hsaifaii@chamran.ut.ac.ir

* نویسنده مسؤول مقاله:



و باطل است. شایان ذکر است که چنین قراردادهایی در کشورهای پیشرفته، مثل فرانسه، انگلستان، امریکا و کانادا نیز ممنوع اعلام شده است.

کلید واژه‌ها: بازاریابی شبکه‌ای، قراردادهای هرمی، کلاهبرداری، گلدکوئیست، معاملات هرمی.

۱- مقدمه

در سالهای اخیر، پاره‌ای شرکتها براساس سامانه‌های هرمی، امکان فعالیت یافته‌اند. این شرکتها با استفاده از اینترنت به عضوگیری و گسترش دامنه فعالیتشان اقدام می‌کنند. فضای نامناسب اقتصادی و آشفتگیهای حاصل از آن، زمینه رشد این شرکتها را فراهم آورده است. گذشته از تأثیر فعالیت این شرکتها بر اقتصاد کشور، همچنان این سؤال باقی است که معامله شرکتهای هرمی^۱ از منظر حقوقی چه ماهیت و آثاری دارد. آیا روشهای بازاریابی و فروش آنها موجب خدشه در صحت و اعتبار معاملاتشان می‌شود یا خیر؟

۲- معرفی اجمالی شرکتهای هرمی

همه شرکتهای هرمی تقریباً شبیه به یکدیگر عمل می‌کنند. این شرکتها مبالغی را از اشخاص می‌گیرند و در عوض، کالا یا خدماتی را به صورت اقساط یا نقد در اختیار مشتریان خود قرار می‌دهند. البته هدف اصلی آنها فروش اقساطی است و از مشتریان می‌خواهند قسمتی از بهای کالا و خدمات را بپردازند و در ازای بقیه آن برای شرکت بازاریابی کنند، و یا بهای کالا یا خدمات اندکی را می‌گیرند و مشتریان خود را برای بدست آوردن درآمد بیشتر و پاداشهای فراوان تشویق می‌کنند. به نظر می‌رسد که این شرکتها به وعده‌های مذکور در متن قراردادهایشان هم عمل می‌کنند، ولی پرداخت اجرت بازاریابی و پاداشها چنانکه خواهیم گفت مشروط به تحقق شرایطی است که در مورد بیشتر افراد محقق نمی‌شود. شرکتهای هرمی فراوانی در ایران فعالیت داشته یا دارند [۱، ص ۱۶]، مانند پنتاگونو، گلدکوئیست، ای-وی یو (EVU)، کیمبرلی، گلدمین، آمگا و دهها شرکت دیگر داخلی [۲، ص ۴۰].

1 . Pyramid scheme or selling

برای آشنا شدن با ماهیت و بررسی وضعیت حقوقی این گونه مؤسسات به معرفی دو نمونه از آنها می‌پردازیم:

۱. گلدکوئیست: شاید معروفترین بنگاهی که در زمینه فروش هرمی در ایران فعالیت می‌کند، گلدکوئیست باشد. گلدکوئیست که مقر آن در هنگ‌کنگ است، در سال ۱۹۹۸ با عرضه گردنبند، ساعت و سکه‌های طلا که دارای نقوش خاصی هستند، وارد فعالیتهای هرمی شد. طریقه فعالیت گلدکوئیست به این ترتیب است که یک سکه را به قیمت ۶۰۰ دلار که نزدیک به سه برابر قیمت واقعی آن است، می‌فروشد و اگر خریدار بتواند دو مشتری دیگر پیدا کند و یک نفر را در سمت راست و یک نفر را در سمت چپ خود قرار دهد و به همین طریق آن دو نفر نیز بتوانند هر کدام دو نفر را به همین ترتیب به مجموعه اضافه کنند (یعنی مجموعاً شش نفر: دو نفر بی‌واسطه و چهار نفر با واسطه)، بنگاه ۲۵۰ دلار پورسانت می‌دهد [۲، صص ۲-۳۱].

۲. دانشگاه ای‌وی‌یو: EVU^۱ به معنای «دانشگاه مجازی اروپا» است که در سال ۱۹۹۶ در انگلستان راه‌اندازی شده‌است. ای‌وی‌یو مدعی است مزیت تجاری این دانشگاه صرفاً نوعی مزیت جانبی محسوب شده، به هیچ وجه ارزشهای علمی و تحصیلاتی این دانشگاه را تحت الشعاع قرار نمی‌دهد [۳، ص ۲۲]. هرکس با پرداخت ۸۰ دلار (معادل ۷۲ هزار تومان) دانشجوی این دانشگاه می‌شود و تا یک سال از کلیه امکانات موجود (بیش از ۲۰۰ رشته تحصیلی، کتابهای اینترنتی و ...) بهره‌مند می‌شود. هر دانشجو با هر ثبت‌نام می‌تواند سه رشته علمی را انتخاب و در آزمون آن شرکت کند. نمره قبولی در این آزمونها که به شکل بر خط (آن لاین) برگزار می‌شود ۱۷ از ۲۰ یا ۸۵ درصد است. دانشگاه به ازای هر تعادل ۱-۱، یعنی معرفی دو نفر، یکی سمت راست و دیگری سمت چپ ۱۰ دلار حق‌الزحمه پرداخت می‌کند و اگر تعداد معرفی‌شدگان به تعادل ۵۰۰-۵۰۰ برسد دو هزار دلار، چنانچه به تعادل ۱۰۰۰-۱۰۰۰ برسد هشت هزار دلار، چنانچه به تعادل ۲۰۰۰-۲۰۰۰ برسد به مدت دو سال ماهیانه ۳۰۰۰ دلار، چنانچه به تعادل ۵۰۰۰-۵۰۰۰ برسد به مدت پنج سال ماهیانه پنج هزار دلار، و چنانچه به تعادل ۱۰۰۰۰-۱۰۰۰۰ برسد به مدت ده سال ماهیانه ده هزار دلار، یعنی در هر ماه ۹ میلیون تومان پاداش خواهد پرداخت.

1 . Europe Virtual University



البته همه اینها باید در ظرف سه سال به دست آید، چون پس از سه سال، نام شخص از رأس هرم حذف می‌شود. برای ثبت‌نام در این دانشگاه، سواد یا مدرک خاصی شرط نیست و تنها باید شخصی که قبلاً خودش ثبت‌نام کرده شما را معرفی کند تا شما با پرداخت ۸۰ دلار عضو این دانشگاه شده از مزایای آن بهره‌مند شوید. دانشگاه مجازی اروپا در ۲۳ کشور جهان سایتهای محلی با مفاهیم و موضوعات و زبان محلی دارد [۳، ص ۱۷].

پس از آشنایی اجمالی با نمونه‌هایی از شرکتهای هرمی، این سؤال مطرح می‌شود که معاملات هرمی از دیدگاه فقه امامیه و حقوق ایران چه وضعیتی دارند. در این مقاله، ابتدا وضعیت معاملات هرمی از دیدگاه فقه و سپس وضعیت این گونه معاملات از منظر قوانین موضوعه و حقوق را بررسی و در پایان، نتیجه‌گیری خواهیم کرد.

۳- وضعیت معاملات هرمی از دیدگاه فقه امامیه

بدیهی است معاملات هرمی به سبب نو بودن در فقه سنتی مطرح نبوده و از مسائل مستحدثه‌ای است که مورد توجه برخی از فقهای معاصر قرار گرفته است. از جمله آیت الله فاضل لنکرانی^۱ و آیت الله مکارم شیرازی^۲ معتقدند که معاملات این گونه شرکتهای، هم به‌عنوان حکم اولی و هم به‌عنوان حکم ثانوی، حرام و باطل است. اما برخی دیگر می‌گویند: از جهت احکام اولیه اشکالی بر این معاملات نیست؛ چون به هر حال قراردادهایی همراه با شروط ضمن عقد است که طرفین با رضایت، آن را امضا می‌کنند و مصداقی برای آیه شریفه تجاراً عن تراض محسوب می‌شود. این دسته از فقها معتقدند اشکال وارد بر این معاملات تنها از منظر احکام ثانویه است. از این رو، لازم است به اجمال این دو نوع حکم را توضیح دهیم.

۱. ایشان در پایگاه الکترونیکی خود به نشانی www.lankarani.ir چنین اظهار نظر کرده اند: «شرکتهای هرمی گلدکوئیست و نظایر آن که در شرایط فعلی با تعبیرات و الفاظ گوناگونی از آنها یاد می‌شود و لکن در باطن همان نقش را دارد، هم از نظر حکم اولی، یعنی اکل مال به باطل و هم از نظر حکم ثانوی، یعنی ضربه زدن به اقتصاد کشور که لازم است روزبه‌روز در حال شکوفایی و رشد و ترقی باشد شدیداً محرم است و توالی کثیره فاسده غیر قابل جبران آن، قابل انکار نیست. لذا بر مؤمنین فرض است علاوه بر اجتناب شخص خودشان، دیگران را نیز هدایت و از این کار باز دارند. محمد فاضل لنکرانی، ۸۵/۷/۱۷»

۲. ایشان در پایگاه الکترونیکی خود به نشانی www.makaremshirazi.org چنین اظهار نظر کرده اند: شرکت در این کار [فعالیت‌های شرکتهای هرمی] حرام و پول عاید از آن مباح نیست و در واقع نوعی کلاهبرداری مرموز برای تصاحب اموال دیگران است.

۳-۱- حکم اولی و حکم ثانوی

حکم اولی، حکمی است که برای افعال یا اشیا در حال طبیعی آن و بدون در نظر گرفتن عروض عناوین ثانوی جعل شده باشد، مانند وجوب نماز صبح، حرمت شرب خمر، طهارت آب و احکام دیگری که در متن قرآن و روایات معتبر آمده است؛ اما حکم ثانوی، حکمی است که موضوع آن به وصف اضطرار، اکراه و عناوین ثانویه دیگر، متصف گردد. به عبارت دیگر، حکمی است در مورد افعال یا اشیا در غیر حال طبیعی آنها، مانند آنکه رفتن به دریا مباح است، ولی برای نجات غریق واجب؛ روزه ماه رمضان واجب است، ولی در صورتی که ضرر و حرجی باشد حرام.

هر دو قسم حکم اولی و ثانوی، به عنوان حکم واقعی مطرحند که در مقابل آنها، حکم ظاهری قرار دارد. حکم ظاهری حکمی است که به هنگام جهل نسبت به واقع و شک در آن جعل شده است؛ مانند احکامی که به وسیله امارات و اصول عملیه (برائت، تخییر، احتیاط و استصحاب) به دست می‌آید. موضوع حکم ظاهری، شک در حکم واقعی است.

حکم حکومتی، همان حکم ثانوی است که از سوی حاکم اسلامی صادر و به آن «حکم سلطانی» نیز گفته می‌شود. دقت در مثالهایی که در نامه مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۱۶ امام خمینی (ره) مورد اشاره قرار گرفته، انطباق دقیق آنها را با عناوین ثانویه‌ای نظیر ضرورت، اضطرار و مصلحت نمایان می‌سازد [۴، ص ۳۰۹].

۳-۲- آیا منع حاکم و قانونگذار موجب بی‌اعتباری عمل می‌شود؟

ممکن است حاکم اسلامی یا فقهای جامع‌الشرایط به دلیل مصداق پیدا کردن عناوین ثانویه، معامله کردن بر روی برخی موضوعات را ممنوع اعلام کنند. در این صورت، این پرسش مطرح می‌شود که وضعیت این معاملات ممنوع چگونه است؟ به طور مثال، حکم آیت الله شیرازی که خطاب به عموم مردم طی اعلامیه‌ای فرمود: «الیوم استعمال دخانیات به ایّ نحو کان در حکم محاربه با امام زمان (عج) است». این گونه احکام از جهت صحت و بطلان چه تأثیری بر قراردادهای مربوط به سیگار، توتون و دیگر انواع دخانیات دارد؟ آیا منع حاکم اسلامی یا قانونگذار جامعه اسلامی، مثل منع رسول‌الله درباره مصرف گوشت خوک و شراب است و در نتیجه این گونه معاملات معتبر نیست؟



پاسخ به این سؤال با توجه به مبانی حکومت در اسلام، مثبت است، یعنی منع حاکم، در حکم تحریم شارع است و گرنه لغو خواهد بود. سعادت انسان با مسائل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی او درهم آمیخته است. دینی که مشتمل بر این مسائل نباشد، دین جامع نخواهد بود. اسلام تنها به احکام عبادی نپرداخته است، بلکه در زمینه مسائل اقتصادی، مالیاتی، جزایی، مدنی، دفاعی، معاهدات بین‌المللی و ... نیز مقرراتی دارد [۵، ص ۴۶۰] (مقدمه اول). احکام اسلام نسخ نشده و تا قیامت باقی است (مقدمه دوم). دلیل لزوم حکومت و ولایت در زمان غیبت همان دلیل لزوم ولایت امامان معصوم (ع) است [۶، ص ۲۴۸] و طبق روایت معتبر عمر بن حنظله، هرگاه فقیه جامع‌الشرایط با توجه به مصلحت و آنچه از احکام حلال و حرام الهی می‌داند حکمی صادر کند و کسی از او نپذیرد حکم خدا کوچک شمرده شده و اهل بیت پیامبر (ص) را رد کرده است و هر که ایشان را رد کند خدا را رد کرده و این در حد شرک به خداوند است.^۲ در اینجا لازم است به دو مطلب توجه کنیم:

نخست اینکه وقتی می‌گوییم منع حاکم، در حکم تحریم شارع است، مقصود این نیست که حاکم اسلامی از همه اعتبار و خصوصیات پیامبر (ص) و امام (ع) از جمله عصمت برخوردار

۱. فما هو دلیل الامامه بعینه دلیل علی لزوم الحکومه بعد غیبه ولی الامر (عج) «

۲. یظنران (الی) من كان منكم قد روى حديثنا و نظر فی حالنا و حرماننا و عَرَفَ احكامنا فليرضوا به حکما فانی قد جعلته علیکم حاکماً، فانما حکم بحکمنا فلم یقبله منه فانما استخف بحکم الله و علینا رد و الراء علینا، الراء علی الله و هر علی حد الشریک بالله (رک: کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی، ج ۱، کتاب القضاة و الاحکام، حدیث ۵۱۲). این روایت به نام مقبوله عمر بن حنظله معروف است و مشایخ ثلاثه یعنی مرحوم کلینی در کافی، مرحوم صدوق در من لایحضره الفقیه و شیخ طوسی در تهذیب آن را روایت کرده‌اند. از نظر سنن، عمده اشکال روی خود عمر بن حنظله است که می‌گویند: مدح و قدحی درباره او وارد نشده است و معلوم نیست که آیا تقه است یا نه؟ لذا اسم این روایت را مقبوله ابن حنظله گذاشته‌اند که معنایش این است که روایت صحیحی یا موثقه نیست، اما علما آن را قبول کرده و به آن استناد کرده‌اند و همین استناد مشهور به این روایت، ضعف این روایت را جبران کرده است، ولی این راه درستی نیست؛ چون شهرت فتوایی چیزی جز یک ظن برای ما افاده نمی‌کند. اما راه دیگری وجود دارد که موجب اطمینان به وثاقت عمر بن حنظله می‌شود و آن این است که مجموع روایانی که در ابواب مختلف از ابن حنظله نقل روایت کرده‌اند حدود بیست و دو نفرند؛ آن هم به این کیفیت که ابن حنظله به‌عنوان استاد و شیخ روایت آنها مطرح است و لااقل نوزده نفرشان از افراد مسلم الوثاقه در کتاب رجال هستند و بعضی از آنها هم از اصحاب اجماع هستند. آیا این برای انسان یک اطمینانی نمی‌آورد به اینکه عمر بن حنظله از نظر آنها یک مرد تقه و صادق الحدیث و در نقل روایت مورد اعتماد بوده است؟ از طرف دیگر از نجاشی که یکی از بزرگان علم رجال است چنین نقل شده که تصریح کرده است به اینکه عمر بن حنظله تقه و مورد اعتماد است. آیتا... بروجردی (ره) روی این نکته تکیه می‌کردند که اگر شیخ روایتی (یک استاد در حدیث شناسی و نقل روایت)، شاگردان میرز تقه داشته باشد، ما از طریق همین شاگردان، وثاقت او را در می‌یابیم و گرنه چه مناسبتی داشته که در نزد یک آدم بد و مجهول الحالی، یک چنین افراد میرزی که وثاقتشان مسلم است به‌عنوان شاگرد زانو به زمین بزنند و اخذ روایت کنند. لذا بعید نیست که ما کلمه مقبوله را از روایت عمر بن حنظله برداریم و به جای آن کلمه موثقه و یا حتی صحیحی بگذاریم و دیگر این روایت را از راه سند تضعیف نکنیم.

است، بلکه مقصود این است که بگوییم آنچه فقیه جامع‌الشرایط در مقام اجرا طبق استنباطش براساس منابع فقه اسلامی حکم صادر می‌کند دارای همان اعتبار حکم امام معصوم(ع) است، زیرا او در غیبت امام عصر(عج) متولی دین است و باید اسلام را در همه ابعاد و احکام گوناگون اجتماعی‌اش اجرا کند و اگر جز این باشد اداره جامعه و جلوگیری از مفاسد و انحرافات آن برای او غیر ممکن خواهد بود و البته اینکه منع حاکم در این مورد طبق یک نظر، یک حکم ثانوی است، چیزی از اعتبار حکم نمی‌کاهد؛ چون همان‌طور که گفته شد احکام ثانوی نیز جزء احکام واقعی اسلام است.

دوم اینکه قبول داریم که نهی در معاملات همیشه موجب فساد نیست، ولی به‌طور قطع، نهی از معاملاتی که مٌخَل به اصل نظام است و به قول حقوقدانان بر خلاف نظم عمومی اقتصادی است باید موجب فساد و بطلان معامله شمرده شود؛ چون حفظ نظام اسلامی از اوجب واجبات است و اجرای قوانین جزایی و اقتصادی و جلوگیری از مفاسد و انحرافات جامعه از وظایف فقیه جامع‌الشرایط است.

اکنون که مراجع معظم تقلید از بازاریاییها و فروشهایی که به شیوه هرمی انجام می‌شود منع کرده‌اند، پرسش اصلی این است که علت منع آنها چیست؟ چه اشکالی دارد که عده‌ای از مردم به‌ویژه جوانان به این کار مشغول شوند؟ در پاسخ می‌گوییم: اشتغال و بیکار نبودن جوانان امر مطلوبی است، اما هنگام اظهار نظر در مورد هر پدیده حقوقی و اجتماعی باید همه جوانب آن را بررسی و سپس اظهار نظر کرد. در شرکت‌هایی که فروشهای خود را به شیوه هرمی انجام می‌دهند هرچند عده زیادی از بیکاری نجات پیدا می‌کنند و پاره‌ای از ایشان هم به سودهای کلان می‌رسند، اما اگر از بالا به همه فعالان در این عرصه بنگریم آن گونه که کارشناسان گفته‌اند بین ۷۵ تا ۹۶ درصد شرکت‌کنندگان در این معاملات برای همیشه سرمایه اولیه خود را نیز از دست می‌دهند. در واقع افرادی که در میانه و انتهای هرم قرار می‌گیرند متضرر می‌شوند، چون از یک سو مبلغ پرداختی آنها بیش از ارزش واقعی کالاها و خدمات است و از سوی دیگر چون آنها نمی‌توانند افرادی را پیدا کنند، پورسانتی نیز دریافت نمی‌کنند؛ در حالی که از اصول اولیه در بازاریایی، برابری ارزش کالا یا خدمات با ارزش بازار است و در این صورت دیگر ضرری وجود نخواهد داشت تا بالا یا پایین هرم آن را متحمل شوند [۷].



این بنگاهها هیچ فعالیت اقتصادی مثبتی ندارند، جز آنکه به جذب عضو بپردازند و گروههای هرمی تشکیل دهند و بعداً بخش بسیار کوچکی از حق عضویت تازه واردین را به اشخاصی که در رأس این هرم هستند، پرداخت کنند. این مؤسسات تا وقتی به حیات خود ادامه می‌دهند که قربانیان جدیدی به آنها ملحق شوند و آخرین کسانی که حق عضویت می‌پردازند، قربانیان اصلی این ماجرا هستند [۸].

حقیقت آن است که برخلاف ادعای این شرکتها، واسطه‌ها حذف نمی‌شوند، بلکه این خریداران هستند که حذف می‌شوند و همگی تبدیل به بازار ساز و نه بازاریاب می‌گردند و مورد استثمار این شرکتها جهت تحقق منافع آنها قرار می‌گیرند. در این سامانه‌ها افراد به طمع پولدار شدن وارد شبکه می‌شوند و به آنها آموخته می‌شود که دیگران را نیز با همین اهرم وارد فعالیت کنند [۹].

از نظر اسلام حفظ نظام جامعه به طور کلی اعم از نظام اقتصادی و معیشتی، نظام سیاسی و نظام حقوقی و دیگر نظاماتی که زندگی اجتماعی انسان وابسته به آن است ضروری و از اهم واجبات است و فقیهان و صاحب‌نظران حقوق اسلامی نیز بدان اهتمام ویژه دارند. از این رو، قراردادهایی که مغایر با نظام و نظم عمومی جامعه اسلامی باشد نافذ نیست [۱۰، ص ۲۱۴].

ممنوع بودن معاملات هرمی تنها به‌عنوان یک حکم ثانوی نیست، بلکه مشمول عناوین اولیه احکام هم هست؛ چون این قراردادها از مصادیق اکل مال به باطل و تصرف غیر مجاز در اموال دیگران است که نتیجه فریبکاری است و آیات و روایات معتبری بر حرمت آن دلالت دارند که بدانها اشاره می‌کنیم: خداوند در آیات ۲۹ و ۳۰ سوره نساء می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجارةً عن تراضٍ منکم ولا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً و کان ذلک علی الله یسیراً»: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید؛ مگر اینکه تجارتی با رضایت شما انجام گیرد و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، به زودی او را در آتش وارد خواهیم ساخت، و این کار برای خدا آسان است.

اکل مال به باطل یا کسب درآمدهای نامشروع که سبب ظلم و ستم به دیگران باشد حرام و از گناهان بزرگ است. «منظور از اکل مال به باطل این است که انسان بی‌آنکه فعالیت مثبتی

داشته باشد و بدون سبب مشروع، اموال باد آورده‌ای را تملک کند. در گلدکوئیست و مانند آن چنین مطلبی به‌خوبی دیده می‌شود. افرادی که در شاخه‌های اول قرار می‌گیرند، بی‌آنکه کار مهمی انجام داده باشند، اموال هنگفتی را تصاحب می‌کنند و افرادی که در شاخه‌های آخرند، مال باختگان واقعی هستند» [۱، ص ۴۴].

در شرکتهای هرمی که هر عضو باید دو عضو دیگر جذب کند، براساس محاسبه انجام شده به ۷۵ درصد این افراد هیچ چیز تعلق نمی‌گیرد و به ۱۵ درصد اعضا، معادل نیمی از آنچه هزینه کرده‌اند تعلق می‌گیرد و ۷ درصد افراد، معادل حق عضویت خود را دریافت داشته، فقط ۲ درصد افراد که در رأس هرم هستند سود سرشاری به دست خواهند آورد. در شرکتهای هرمی که هر عضو باید (در هر طرف خود) پنج عضو دیگر جذب کند وضعیت فوق‌العاده بدتری حاکم است؛ چون در آنجا ۹۶ درصد اعضای شبکه هیچ درآمدی نخواهند داشت و ۲ درصد افراد، نصف آورده خود را می‌گیرند و ۱ درصد آنان عین پول و کمتر از ۱ درصد هم که در رأس هرم هستند سود سرشاری می‌برند و بقیه وجوه پرداختی به جیب شرکتهای مذکور می‌ریزد [۱۱].

چه ارتباطی بین مسأله «خودکشی» و «تصرف باطل و ناحق در اموال مردم» وجود دارد که در آیه مورد بحث در کنار هم ذکر شده‌اند؟ قرآن با ذکر این دو حکم پشت سر هم، به یک نکته مهم اجتماعی اشاره کرده‌است: همه مردم به منزله نفس واحد هستند [۱۲، ص ۳۲۰] که اگر روابط مالی آنان براساس صحیح استوار نباشد و اقتصاد جامعه به صورت سالم پیش نرود و مردم در اموال یکدیگر به ناحق تصرف کنند، جامعه گرفتار یک نوع خودکشی خواهد شد. از این رو به آنها هشدار می‌دهد که مراقب باشند مبادا مبادلات مالی نادرست و اقتصاد ناسالم، اجتماع آنها را به هلاکت بکشاند [۱۳، ص ۳۹۶].

آیه ۱۸۸ سوره بقره در این زمینه می‌فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدُلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْأَثَمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»: مال یکدیگر را به ناحق مخورید و کار را به محاکمه نزد قاضیان نیفکنید تا به‌وسیله رشوه و زور، پاره‌ای از اموال مردم را بخورید با اینکه شما بطلان دعوای خود را می‌دانید.

از اطلاق آیه، حرمت هرگونه اکل مال به باطل استنباط می‌شود و حتی مفسرین دایره شمول آن را از آیه ۲۹ سوره نساء نیز وسیعتر می‌دانند، «زیرا سیاق آیه قبل مربوط به



تجارت است، در حالی که این آیه مصادیق دیگری مانند «حرمت اخذ صدقه در حالت توانایی بر اکتساب» و ... را هم شامل می‌شود». بنابراین آیات مذکور هرگونه تصرف نامشروع در اموال غیر راه، صرف نظر از طریقه تحقق آن که می‌تواند از راه ربا، سرقت، قمار، کلاهبرداری و فریب باشد، باطل و حرام می‌شمارد [۱۴، ص ۲۸۲].

علاوه بر آیات مذکور، آیات ۶۲ و ۶۳ سوره مائده نیز حرام‌خواری را از صفات یهود دانسته، سکوت عالمان در برابر این عمل زشت را مذموم شمرده است. همچنین از آیه ۱۲۲ سوره انعام، حرمت حیله و فریب نامشروع که سبب تجاوز به حقوق دیگران می‌شود، قابل استنباط است. در روایات نیز بر حرمت مال مسلمین تأکید شده است. از پیامبر (ص) نقل شده که «حرمت مال مسلم، همانند حرمت خون او است»؛ یعنی هرآنچه از باب احترام برای خون ثابت است، برای مال نیز ثابت است و معنایش آن است که هرگونه تصرف غیر مأذون و نامشروع در اموال دیگران ممنوع است [۱۵].

دسته دیگری از روایات نیز درباره حرمت غش و تدلیس هستند، امری که در معاملات هرمی بسیار شایع است. پیامبر (ص) در این زمینه می‌فرماید: «لیس منا من غَشَّ مُسْلِماً أَوْ ضَرَّهُ أَوْ مَکَرَهُ»؛ یعنی کسی که با مسلمانها غش به کار ببرد یا به آنها ضرر وارد کند یا آنها را بفریبد از ما نیست [۱۵، ج ۱۲، ص ۲۰۸]. افزون بر این، فریب دیگران و تدلیس، مبتنی بر دروغ است. به این سبب، علاوه بر روایات فوق، ادله حرمت دروغ هم مؤید حرمت چنین اعمالی است [۱۶، ص ۳۲]. افزون بر این، عقل نیز حرمت تصرف غیرمجاز در اموال دیگران، متعاقب فریب دادن اشخاص و تصاحب اموال آنها را مستقلاً تأیید می‌کند [۱۷، ص ۲۱۴].

فربیکاری شرکتهای هرمی و ادعای قانونی بودن فعالیت‌های شرکت، استفاده از احکام جعلی و منسوب به مراجع عظام مبنی بر حلال بودن معامله و ادعای عدم اشباع بازار و سایر اظهارات فربیکارانه آنها نیز زمینه را برای اعمال قاعده غرور فراهم می‌نماید که مطابق آن «المغرورُ یَرِجِعُ اِلی مَنْ غَرَّهُ»، یعنی شخص فریب‌خورده به کسی که وی را فریب داده است حق رجوع دارد. حتی اگر شخصی به‌عنوان بازاریاب چنین اظهارات خلاف واقعی را با اعتقاد به صحت آنها بیان کند، باز هم قاعده غرور قابل اجرا است، زیرا صرف انجام کاری که موجب زیان دیگری شود برای اجرای قاعده کافی است [۱۸، ص ۸۳].

۴- احتمال قمار بودن قراردادهای هرمی

برخی معتقدند معاملات هرمی، نوعی قمار است. شرط رعایت تعادل ۱-۱ یا ۳-۳ و مانند اینها که در شرکتهای با ساختار هرمی وجود دارد ماهیتی قماري به بازاریابی شبکه‌ای می‌دهد، هر چند صاحبان این قمارخانه‌ها سعی می‌کنند آن را در پوششهایی نظیر معامله، هدیه، صلح، پورسانت و مانند اینها مخفی کنند تا هر چه بیشتر، اموال مردم را صاحب شوند. در آیه ۲۱۹ سوره بقره از قمار با عنوان «میسر» تعبیر شده و «میسر» از ماده «یسر» به معنای سهل و آسان است. قمارباز به دنبال آن است که به آسانی به مال و ثروتی نائل شود [۱۲، ج ۲، ص ۱۹۲؛ ۱۳، ج ۲، ص ۷۳].

افزون براین، برای آنکه عملی قمار به حساب آید لازم نیست حتماً نوع معین و شناخته شده‌ای از بازی در میان باشد. در واقع، قمار فعالیت است میان دو یا چند نفر که در آن، افراد با رضایت، قواعدی را می‌پذیرند که مطابق آن در صورت رخ دادن وقایعی که ممکن است خود در آن نقشی داشته یا نداشته باشند، سرمایه‌ای میانشان رد و بدل شود و همان‌طور که اشاره شد سودی که یک طرف می‌برد نتیجه ضرری است که دیگران متحمل می‌شوند و اشخاص در آن، بی آنکه فعالیت مثبت و سازنده‌ای انجام دهند به صرف آنکه احتمال می‌دهند که وضعیت مطلوب آنها محقق می‌شود و می‌توانند سرمایه دیگران را تصاحب کنند، وارد آن فعالیت می‌شوند. در صورتی که تصاحب اموال دیگران همراه با توافق طرفین نباشد مصداق اکل مال به باطل خواهد بود.

فلسفه ممنوعیت قمار در آیه ۹۱ سوره مائده آمده است: *أَنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مَنتهون:* «شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد، آیا شما از این کارها دست بر می‌دارید(تا به فتنه و فریب شیطان به انواع بلاها مبتلا نشوید)؟» در شرکتهای هرمی، عده بسیار کمی سود می‌برند که نتیجه مستقیم ضرری است که دیگران متحمل می‌شوند و ناخودآگاه، نوعی حالت کینه و دشمنی میان شخصی که می‌بیند ناکامی او نتیجه کامیابی دیگری است، رخ می‌دهد و به‌ویژه از آنجا که قربانیان این موضوع دوستان و نزدیکان اشخاص هستند، از نظر اجتماعی حساسیت بیشتری برانگیخته می‌شود [۱۹].



پورسانتهایی که به بازاریابان پرداخت می‌شود از حد معینی تجاوز نمی‌کند، زیرا برای شرکتها مقرون به صرفه نیست که مبالغ بسیار بالایی پورسانت پرداخت کنند. از این رو وقتی در شرکتهای هرمی چنین اتفاقی می‌افتد، معلوم می‌شود که معاملات از حالت متعارف خارج شده و وارد یک نوع قمار گردیده‌اند [۲۰].

این شبیه بسیار مطرح می‌گردد که موفقیت در این سیستم، بسته به تلاش افراد در یافتن اعضای جدید است و ارتباطی با شانس ندارد. در پاسخ باید گفت: این سامانه برخلاف ادعای صاحبان خود از لحاظ علمی بسیار زودتر از زمانی که آنها ادعا می‌کنند اشباع می‌شود. بازاریابان هرمی این‌گونه وانمود می‌کنند که به راحتی می‌توان در مدت یک ماه دو نفر را یافت و در سامانه هرمی وارد کرد. «اگر فرض را بر صحت چنین امری قرار بدهیم، در این صورت اگر شبکه تنها با یک نفر شروع شده باشد، پس از یک مرحله دو نفر جدید به شبکه اضافه می‌شوند و پس از یک مرحله دیگر، شبکه باید چهار عضو جدید داشته باشد و به همین ترتیب، هر مرحله دو برابر مرحله قبل عضو دارد و در مرحله دهم ۲ به توان ۱۰ عضو، یعنی ۱۰۲۴ عضو و در مرحله بیستم ۲ به توان ۲۰ عضو، یعنی بیش از یک میلیون عضو و در مرحله سی و چهارم ۲ به توان ۳۴، یعنی بیش از ۱۷ میلیارد نفر عضو باید وارد شبکه شوند، اگر هر مرحله یک ماه طول بکشد، پس از سه سال باید همه انسانهای زمین، عضو شبکه هرمی بشوند، در حالی که چنین امری هرگز رخ نمی‌دهد و همین امر نشان می‌دهد که وعده پیداکردن دو عضو جدید در مدت یک ماه حقیقت ندارد. واقعیت آن است که یافتن دو زیر شاخه در آغاز ممکن است ساده باشد ولی با گذشت زمان و گسترش این شبکه، کار، سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود تا آنجا که ممکن است افراد ماهها تلاش کنند و موفق نشوند. آمارها نشان می‌دهد جمعیت کره زمین پس از هر ۴۸ سال تقریباً دو برابر می‌شود و این نشان می‌دهد که سرعت رشد شبکه هرمی تنها زمانی از سرعت رشد جمعیت کمتر است که مدت زمان یافتن دو عضو جدید به طور متوسط از ۴۸ سال بیشتر باشد [۲۱].

با توجه به این موضوع باید گفت: همه مردم تمایل به ورود به این سامانه را ندارند و نمی‌توان با قطعیت محاسبه کرد چه درصدی از مردم در مقطع زمانی خاصی، تمایل به الحاق به مجموعه را دارند. به علاوه گسترش سامانه، یافتن اعضای جدید را دشوارتر می‌سازد و ممکن است فردی که می‌توانست زیر شاخه کسی باشد توسط دیگران جذب شده باشد. از

طرفی با توجه به آگاهی فزاینده افراد از آثار نامطلوب اجتماعی و اقتصادی این پدیده و منع قانون، تعداد این افراد مرتباً کاهش می‌یابد و سامانه بسیار زود به رکود می‌رسد. افزون بر این، هر چه تعداد ورودیها بیشتر باشد، امید به تحصیل سود برای اعضای جدید پایین می‌آید و اشخاصی که تمایل اندکی برای ورود به شبکه دارند با احتیاط بیشتری با این مسأله برخورد می‌کنند که همین امر، موجب متغیر شدن زمان رکود این سامانه می‌شود. همه مسائل مذکور آشکار می‌سازد که تعیین زمان نسبی اشباع سامانه به طور دقیق قابل پیش‌بینی نیست. پس فردی که می‌خواهد وارد شود، نمی‌داند تا زمان اشباع نسبی چقدر فاصله دارد، اگر شانس بیاورد و به موقع وارد شود به اندازه کافی زمان دارد وگرنه قبل از آنکه بتواند برای اولین بار به سود برسد سامانه به اشباع نسبی می‌رسد و جریان آن به قدری کند می‌شود که برای فرد، ادامه کار، مقرون به صرفه نخواهد بود. پس شانس کاملاً در تحصیل منافع دخیل است که نهایتاً مؤیدی است بر ماهیت قمارگونه قراردادهای هرمی [۲۲].

فعالیت مرموز اقتصادی شرکتهای هرمی، همچنین شبیه بخت آزمایی است که در قرآن از آن تعبیر به «ازلام» شده و همچون شراب و قمار، سابقه‌ای طولانی دارد و قبل از اسلام نیز مردم به آن آلوده بودند. روش کار در ازلام به این ترتیب بوده که مثلاً ده نفر با هم شرط بندی و حیوانی را خریداری و ذبح می‌کردند. سپس ده چوبه تیر را که روی هفت عدد از آنها عنوان «برنده» و روی سه عدد عنوان «بازنده» ثبت شده بود در کیسه مخصوصی می‌ریختند و به صورت قرعه‌کشی آنها را به نام یک یک آن ده نفر بیرون می‌آوردند که یکی از هفت چوبه برنده به نام هر کس می‌افتاد سهمی از گوشت بر می‌داشت (هر کدام یک هفتم) و پولی در برابر آن نمی‌پرداخت؛ ولی آن سه نفری که تیرهای بازنده را دریافت داشته بودند باید هر کدام، یک سوم قیمت حیوان را بپردازند، بی آنکه سهمی از گوشت داشته باشند. این چوبه‌های تیر را «ازلام» جمع زلم (بر وزن قلم) می‌نامیدند. اسلام، خوردن این گوشت را تحریم کرده، آن را در ردیف خوردن خون، خوک، مردار و مانند اینها قرار داده است. البته نه به این دلیل که اصل گوشت حرام باشد، بلکه به این دلیل که عمل، جنبه قمار و بخت آزمایی دارد. روشن است که تحریم قمار و مانند آن، اختصاص به گوشت حیوانات ندارد، بلکه در هر چیزی انجام گیرد ممنوع و تمام زیانهای فعالیتهای حساب نشده اجتماعی و برنامه‌های خرافی در آن جمع است [۱۳، ج ۴، ص ۲۶۰].



آنچه در شرکت‌های هرمی انجام می‌شود تفاوتی با آنچه در «ازلام» وجود داشته ندارد؛ بلکه در این بخت آزمایی‌های نو، قبح و زشتی کار بیشتر است؛ زیرا در مثالی که در تفسیر آیه مطرح شد پول یک‌سوم شرکت‌کنندگان نصیب دوسوم دیگر می‌شود، در حالی که در شرکت‌های مورد بحث، طبق محاسبات انجام شده که پیشتر ذکر شد، بسته به نوع شرکت و شرایط پیش‌بینی شده برای پرداخت اجرت بازاریابی، بین ۷۵ تا ۹۰ درصد پول پرداختی توسط شرکت‌کنندگان به جیب این مؤسسات کلاهبردار می‌ریزد و با ۱۰ تا ۲۵ درصد آن پول، همه هزینه‌های شرکت، از جمله اجرت بازاریابی پرداخت می‌شود.

در حقوق آمریکا هم قرارداد هرمی نوعی قمار به شمار می‌آید، زیرا این اعتقاد وجود دارد که چنین قراردادی بر پایه منطق اقتصادی استوار نشده و موفقیت فرد در چنین سامانه‌ای، بسته به مهارت او نیست، بلکه مبتنی بر شانس است، زیرا تنها پیوستن اشخاص فریب‌خورده جدید، سبب می‌شود تا شخص، چیزی بیش از آنچه در ابتدای پیوستن به مجموعه پرداخت کرده، دریافت کند [۲۳، ص ۳۵۸].

قوانین بخت آزمایی پستی^۱ تحت سرفصل هجدهم خود و به موجب مواد ۱۳۰۲ و ۱۳۴۱ و ۱۳۴۳ خود، طرح‌های هرمی فروش را غیر قانونی اعلام کرده است [۲۴]. حقوق انگلستان نیز در قانون قمار و گروبندی ۲۰۰۵ طرح‌های هرمی فروش را غیر قانونی معرفی کرده است [۲۵].

با وجود همه مطالبی که بیان شد، آنچه از نظر فقها [۲۶، ص ۴۷] بر می‌آید آن است که در قمار لازم است نوعی بازی با اسباب معمول قمار انجام شود و در غیر این صورت، حرمت تصرف در مال، نه از جهت قمار که به سبب اکل مال به باطل است [۲۷، ص ۸].

به‌طور کلی از نظر اسلام، حفظ نظام جامعه - اعم از نظام اقتصادی و معیشتی، نظام سیاسی و نظام حقوقی و دیگر نظاماتی که زندگی اجتماعی انسان وابسته به آن است - ضروری و از اهم واجبات است و فقیهان و صاحب‌نظران حقوق اسلام نیز اهتمام ویژه‌ای به آن دارند. از این رو، قراردادهایی که مغایر با نظام و نظم عمومی جامعه اسلامی باشند، از جمله قراردادهای هرمی، نمی‌توانند معتبر و نافذ باشند [۱۳، ص ۲۱۵].

1 . Postal lottery law

۵- وضعیت معاملات هرمی از دیدگاه قوانین موضوعه

برای صحت و اعتبار هر معامله، شرایط اساسی مذکور در ماده ۱۹۰ قانون مدنی لازم است؛ یعنی (۱) قصد طرفین و رضای آنها؛ (۲) اهلیت طرفین؛ (۳) موضوع معین که مورد معامله باشد؛ (۴) مشروعیت جهت معامله. قراردادی را می‌توان غیر صحیح دانست که ثابت شود فاقد یکی از شرایط صحت است. در صورتی که فقدان شرط، احراز نشود قرارداد صحیح به حساب می‌آید. همان‌گونه که از تحلیل فقهی موضوع بر می‌آید مسلماً نمی‌توان قائل به اعتبار قراردادهای هرمی شد؛ اما در خصوص وضعیت حقوقی آن، دو احتمال قابلیت فسخ و بطلان قابل طرح است که به تحلیل هر یک می‌پردازیم و نهایتاً وضعیت حقوقی قرارداد را تعیین خواهیم کرد.

۵-۱- قابلیت فسخ

قابلیت فسخ این گونه معاملات ممکن است مبتنی بر خیار غبن یا خیار تدلیس باشد:

۱. **خیار غبن:** معمولاً ارزش کالا و خدمات ارائه شده در قراردادهای هرمی، تناسبی با مبلغ دریافتی از مشتریان ندارد. برای نمونه، همان‌طور که اشاره شد، ارزش واقعی سکه‌های گلدکوئیست بنا به نظر کارشناسان، تنها معادل یک‌سوم مبلغ پرداختی است. از این رو، خریدار دچار غبن فاحش شده است و با استناد به مواد ۴۱۶ و ۴۱۷ قانون مدنی، حق فسخ معامله را دارد. این موضوع نتیجه ترفندی است که این دست بنگاهها در پیش می‌گیرند و کالاهایی را انتخاب می‌کنند که مشابه واقعی کمتری داشته باشند تا ارزش واقعی آنها به راحتی قابل محاسبه نباشد و خریداران در این زمینه گمراه شوند. اما در مقابل ممکن است گفته شود غبنی اتفاق نیفتاده است، زیرا مبلغ پرداختی صرفاً عوض کالا یا خدمات نیست، بلکه هزینه ورود شخص به سامانه هرمی و یافتن عنوان بازاریاب و دستیابی به سود احتمالی است. از این رو، معامله صحیح است، هرچند مشتری واقف به بهای واقعی کالا نباشد (ماده ۴۱۹ قانون مدنی).

۲. **خیار تدلیس:** آنچه در فرآیند جذب اعضای تازه رخ می‌دهد و آنها را ترغیب به ورود به مجموعه هرمی می‌کند، چیزی جز فریب‌دادن خریدار و ترسیم دورنمایی خلاف واقع برای او نیست؛ زیرا همان‌طور که قبلاً ذکر گردید، اظهارات فریبکارانه فراوانی خصوصاً در بحث سود بردن بیان می‌شود و نه تنها هرگز هشدار دهنده درباره اشباع نسبی شبکه و کار دشوار



جذب اعضای تازه به خریدار داده نمی‌شود، بلکه برعکس تحصیل منافع کلان در نظر وی امری طبیعی و سهل جلوه داده می‌شود. به همین جهت وی پس از وقوف بر تدلیس بنگاه به استناد مواد ۴۳۸ و ۴۳۹ قانون مدنی حق فسخ معامله را دارد.

۵-۲- بطلان معامله

احتمال دوم درخصوص وضعیت چنین قراردادهایی که اقوی به نظر می‌رسد بطلان معامله است که بدیهی است در صورت اثبات آن، دیگر نوبت به فسخ که مبتنی بر صحت قرارداد است نمی‌رسد و بحث قابل فسخ بودن معامله موضوعاً منتفی می‌شود.

بطلان معاملات هرمی از طرق مختلف قانونی قابل طرح است. وجود جهت نامشروع، غرری بودن قرارداد و نهایتاً منع قانون به جهت مخالفت قرارداد با نظم عمومی و اخلاق حسنه.

۱. وجود جهت نامشروع: به موجب ماده ۲۱۷ قانون مدنی اگر جهت معامله که به معنای انگیزه بی‌واسطه و اصلی انعقاد قرارداد است، نامشروع باشد، قرارداد باطل است. به نظر می‌رسد چنین قراردادهایی مشمول حکم ماده مزبور است؛ زیرا انگیزه اصلی بنگاه و اشخاص در خدمت آن، کلاهبرداری و فریب دیگران و وارد کردن آنها به سامانه‌ای است که رویکرد اساسی‌اش، ارائه کالا یا خدمات و تحصیل منافع مشروع اقتصادی نیست، بلکه ساختن نردبانی از جهل دیگران برای سوداندوزی بیشتر از طریق امیدوارکردن آنها به اموری غیر واقعی است. البته جهت نامشروع، هنگامی موجب بطلان معامله است که وارد قلمرو قرارداد شده باشد؛ یعنی به جهت نامشروع تصریح شده یا لاقلاً بر آن توافق ضمنی شده باشد [۳۸، ص ۱۳۹]. در معاملات هرمی نیز می‌توان گفت طرفین اگر نه به طور صریح، لاقلاً به طور ضمنی بر جهت نامشروع توافق کرده‌اند.

اگر نظری به ماده ۱ قانون تشدید مجازات کلاهبرداری بیفکنیم که مقرر می‌دارد: «هرکس از راه حيله و تقلب مردم را به ... امور غیر واقع امیدوار نماید ... و یا اسم و عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصاحساب و امثال آنها را تحصیل کرده و از این راه، مال دیگری را ببرد، کلاهبردار محسوب می‌شود ...» و به ماهیت فعالیت‌های هرمی توجه کنیم، آشکار می‌شود که سامانه‌های هرمی جز به انگیزه کلاهبرداری شکل نمی‌گیرند و مشمول عنوان آن هستند.

به طور مثال، دانشگاه مجازی اروپا (EVU) که قبلاً معرفی شد توسل به وسایل متقابلانه کرده است؛ زیرا:

اولاً نام دانشگاه را برای خود انتخاب کرده، در حالی که حداکثر یک آموزشگاه علمی است، مثل آموزشگاههای آزاد زبان. در جزوه معرفی EVU تصریح گردیده که این مرکز هیچ مدرک کارشناسی، کارشناسی ارشد یا دکتری اعطا نمی‌کند و تنها زمینه لازم برای ثبت نام در یکی از دانشگاههای اروپایی را فراهم می‌کند. استفاده از نام دانشگاه برای چنین مرکزی که حتی دوره کارشناسی هم ندارد نوعی تقلب و غیرقانونی است.

ثانیاً در چند جای جزوه‌های آموزشی از جمله در صفحه ۱۲ جزوه معرفی EVU می‌گوید: «فراموش نکنید که این سیستم یک روش سریع برای پولدار شدن نیست، بلکه یک روش مطمئن برای پولدار شدن می‌باشد». این جزوه‌ها محرمانه است و تنها در اختیار کسانی قرار می‌گیرد که با پرداخت پانصد و چهار هزار تومان، خود را درگیر کرده، در جرگه مشتریان و بازاریابان وارد شده‌اند. در صفحه ۱۸ همین جزوه توصیه شده است که «هیچ گاه متن خود را در اختیار کسی قرار ندهید و همیشه همراه خود داشته باشید و فراموش نکنید که تنها ۳ یا ۴ بار خواندن این متن جهت کسب موفقیت در این کار کافی نمی‌باشد. شرط و رمز پیروزی شما مطالعه و حفظ کردن این متن و تکرار و تمرین است».

در صفحه ۱۲ جزوه آموزشی می‌گوید: «شما ممکن است به دلیل نداشتن اطلاعات کافی بخواهید راجع به صحت این سیستم با دوستان خود مشورت کنید که این کار اشتباه است، زیرا «بازاریابی شبکه‌ای» در ایران استفاده نمی‌شود و کسی با آن آشنایی ندارد. پس اطلاعات فعلی شما از اطلاعات دوستان شما در این زمینه بیشتر است ... بنابراین من به شما قول می‌دهم که با هر کس که مشورت کنید حتماً جواب منفی می‌دهد و خواهد گفت که این یک سیستم کلاهبرداری و اشتباه است». مشورت کردن که یک حرکت خردمندانه و مورد سفارش قرآن و همه عقلا است در این بنگاه تجاری مورد نهی واقع می‌شود.

ثالثاً مدعی است که مزیت تجاری این دانشگاه صرفاً نوعی مزیت جانبی محسوب شده، به هیچ وجه ارزشهای علمی و تحصیلاتی این دانشگاه را تحت الشعاع قرار نمی‌دهد [۳، ص ۲۲]، در حالی که تبلیغات موجود در سایت و جزوات آموزشی، همه نشان‌دهنده این است که قضیه کاملاً به عکس است: در کل کشور، هزاران نفر تاکنون ثبت نام کرده‌اند، ولی شرکت‌کنندگان



موفق در آزمون علمی به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسند. همان‌طور که در همین مقاله خواهیم دید، قانونگذار به جهت اهمیت خاص موضوع، مجازات و عنوان مستقلی برای فعالیت‌های هرمی در نظر گرفته که البته به هر حال مؤید عدم مشروعیت جهت قرارداد نیز هست.

در حقوق آمریکا هم، فروش هرمی کلاهبرداری تلقی می‌شود و آمار رسمی از موارد عمده کلاهبرداری در محیط‌های مجازی را فروش براساس سامانه هرمی، معرفی می‌کند [۲۸، ص ۷۲]. در حقوق انگلستان نیز فروش هرمی از مصادیق کلاهبرداری محسوب شده است [۲۹]. قانون رقابت کانادا نیز ضمن آنکه طرح‌های هرمی را از بازاریابی قانونی الکترونیکی متمایز می‌سازد، آن را نوعی کلاهبرداری به‌شمار می‌آورد و برای فعالین این تجارت نامشروع، مجازات مالی و زندان پیش‌بینی کرده است [۳۰، ص ۳۲۲].

۲. غرری بودن قرارداد: برخی معتقدند منظور از غرر چیزی است که ظاهری فریبنده دارد، ولی باطن آن مجهول است یا غرر عبارت از معامله‌ای است که معهود نبوده و در انعقاد آن، شخص اطمینان خاطر ندارد [۳۱، ص ۲۱۷]. برخی دیگر، بیع غرری را بیع مشتمل بر مخاطره می‌دانند [۳۲، ص ۴۲].

برخی از فقها معتقدند در معنای غرر، مجهول بودن اخذ شده است [۲۶، ص ۱۸۵] و برخی دیگر معتقدند در هیچ‌جا غرر به جهالت تفسیر نشده است [۵، ج ۳، ص ۲۰۵]. فقهای دیگر، رابطه میان غرر و جهل را عموم و خصوص من وجه می‌دانند بدین ترتیب که در برخی موارد، بیع، غرری است، ولی مورد معامله مجهول نیست، مانند حیوان فراری که خصوصیاتش برای طرفین معلوم است، و در برخی موارد، مورد معامله مجهول است، اما خطری در میان نیست، مانند خرید و فروش دو کالا از جنس مختلف با مقدار و ارزش برابر که وزن هیچیک برای طرفین معلوم نیست [۳۳، ص ۱۰۲].

به نظر می‌رسد قراردادهای هرمی از مصادیق معاملات غرری باشد. یکی از شرایط لازم در اعتبار قرارداد، مقدورالتسلیم بودن آن است که طرفین در هنگام انعقاد عقد باید نسبت بدان اطمینان حاصل کنند، زیرا هر گاه طرفین بدانند که موضوع معامله قابل تسلیم نیست، معنایش جز آن نیست که طرفین، اعتقادی به قابلیت اجرای عقد ندارند و چنین عقدی، محکوم به بطلان است. بطلان معامله به علت وجود غرر در آن، موضوعی است که در مواد ۲۱۶ و ۳۴۲ قانون مدنی بیان شده است. معامله‌ای که چنین وضعیتی داشته باشد در حقیقت یک

معامله شانس است که سرنوشت آن ناپیدا است. طرفین باید اطمینان به مقدورالتسلیم بودن معامله داشته باشند و در غیر این صورت، معامله باطل است. بطلان معامله‌ای که در امکان تسلیم آن تردید وجود دارد را می‌توان از دلیل اولویت نیز استنباط کرد، زیرا وقتی مجهول بودن جنس و یا کمیت، سبب بطلان معامله است به طریق اولی، مجهول بودن امکان تصرف در مورد معامله و بالاتر از آن، معلوم نبودن امکان دسترسی به مورد معامله به سبب غرر، موجب بطلان عقد خواهد بود. در فقه امامیه نیز قدرت بر تسلیم مورد معامله، شرط صحت بیع است و بر این امر، ادعای اجماع شده است [۳۴، صص ۳۰۸-۳۱۰].

در قراردادهای هرمی، خریدار در هنگام انعقاد عقد، اطمینانی نسبت به دریافت کالاها و خدمات و پورسانتها ندارد و این تردید همواره وجود دارد که آیا شرکت به تعهدات خود عمل می‌کند یا خیر؟ زیرا این سامانه‌ها در کشورهای مبدأ خارجی غیرقانونی هستند و هر آن این احتمال می‌رود که قانون، مانع فعالیت‌های آنها شود یا خود بدان پایان دهند که نتیجه آن، عدم تسلیم عوضهای قراردادی مذکور و نهایتاً وارد شدن ضرر به خریداران و بازاریابها است. در چنین موقعیتی، همان‌گونه که پیدا است مقدورالتسلیم بودن مورد معامله، برحسب شانس خواهد بود و سرنوشت عقد از همان ابتدا مجهول است و لذا قائل شدن به غرری بودن قرارداد هرمی، مخالف قواعد حقوقی نخواهد بود.

غرری بودن چنین قراردادهایی به وجه دیگری نیز قابل توجیه است، زیرا اگر در معامله‌ای احتمال ورود ضرر به حدی باشد که خردمندان از آن اجتناب ورزند، آن معامله غرری تلقی می‌شود. همان‌طور که اشاره شد بین ۷۵ تا ۹۰ درصد فعالان این عرصه دچار زیان می‌شوند و از این رو خطر، از بین رفتن سرمایه در اثر انعقاد قرارداد هرمی وجود دارد و غیر قابل انکار است. پس غرر ثابت می‌شود [۱۹].

۳. منع قانون به جهت مخالفت قرارداد با نظم عمومی و اخلاق حسنه: «قانون مجازات

اخلالگران در نظام اقتصادی کشور» مصوب ۶۹/۶/۱۹ و اصلاحات بعدی مصوب ۸۴/۱۰/۱۴ معاملات هرمی را ممنوع اعلام کرده و برای فعالان آن مجازات تعیین کرده است:

ماده ۱. ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در بندهای ذیل جرم محسوب می‌شود و مرتکب به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم می‌شود: ... (ز) تأسیس، قبول نمایندگی و عضوگیری در بنگاه، مؤسسه، شرکت یا گروه به منظور کسب درآمد ناشی از افزایش اعضا به نحوی که



اعضای جدید جهت کسب منفعت، افراد دیگری را جذب نموده و توسعه زنجیره یا شبکه انسانی تداوم یابد.

ماده ۲. هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور، چنانچه در حد فسادفی الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می شود و در هر دو صورت، دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد تبصره ۱: در مواردی که اخلاف موضوع هر یک از موارد مذکور در بندهای هفتگانه ماده ۱ عمده یا کلان یا فراوان نباشد، مرتکب حسب مورد، علاوه بر رد مال به حبس از شش ماه تا سه سال و جزای نقدی معادل دو برابر اموالی که از طرق مذکور به دست آورده محکوم می شود.^۱

بی تردید اگر قانون، عملی را منع کند و شخصی برخلاف منع قانونی، عملی حقوقی را شکل دهد نمی توان قائل به نفوذ آن شد، اما پرسش اینجا است که آیا نهی قانونگذار از عملی به معنای بطلان عمل است یا وضعیت حقوقی آن را باید حسب شرایط تعیین کرد؟ در میان حقوقدانان در خصوص تفسیر منع قانونگذار اختلاف نظر وجود دارد. برای نمونه برخی ممنوعیت اصل چهلم قانون اساسی در اضرار به غیر را سبب عدم نفوذ عمل حقوقی متعاقب آن می شمارند [۳۵، ص ۲۷۶] و برخی دیگر، آن را سبب بطلان عمل برخلاف منع قانونگذار می شمارند [۲۶، ص ۴۰۲]؛ اما مسلم آن است که نمی توان با قاطعیت نهی قانون را دلیل برای بطلان عمل حقوقی قرارداد. برای مثال، فروش مال غیر، جرم است و قانون آن را ممنوع ساخته، اما معامله متعاقب آن، قراردادی است فضولی و غیر نافذ؛ و یا در جای دیگری قانونگذار در ماده ۱۲۰۷ مقرر می دارد: « اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند ... » در حالی که معاملات غیر رشید و صغیر ممیز با آنکه ممنوع شمرده شده، غیر نافذ است نه باطل.

۱. طرح الحاق یک بند و یک تبصره به ماده ۱ قانون اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و اصلاح تبصره ۱ ماده ۲ آن که با عنوان طرح ممنوعیت فعالیت شرکتها و مؤسسات با ساختار هرمی با شبکه بی انتها از قبیل گلدکوئیست به مجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ چهاردهم دیماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۸ به تأیید شورای نگهبان رسید. روزنامه رسمی؛ ش ۱۷۳۶۱، ۱۳۸۴/۱۱/۲۵.

از این رو باید ضوابطی ارائه گردد که تا حدودی بتوان با کمک آنها، وضعیت قرارداد را در صورت منع قانونگذار، روشن ساخت:

الف) گاهی نهی قانون بیانگر لزوم رعایت شرطی از شروط صحت معامله یا مانعی از وقوع آن به نحو صحیح است [۳۶، ص ۶۳] که در این صورت، عدم توجه به منع قانونگذار، سبب بطلان عمل می‌شود. برای نمونه ماده ۱۰۴۵ قانون مدنی اعلام می‌کند: «نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است» و همین منع قانونی، بطلان چنین نکاحی را در پی خواهد داشت.

ب) گاهی نهی، زمینه یک واقعه حقوقی را ایجاد می‌کند. برای مثال، نهی از تصرف در ماده ۶۱۷ قانون مدنی زمینه تحمیل ضمان را به امین فراهم می‌کند. در این صورت، گفتگو از بطلان عمل بی‌مورد است [۳۷، ص ۶۱].

ج) در مواردی، نهی دلالت بر مغضوبیت عمل نزد قانونگذار دارد، بی‌آنکه شرطیت یا مانعیت چیزی را برساند [۳۶، ص ۶۱] مثلاً خواستگاری از زنی که نامزد دیگری است، حرام است ولی اگر این عمل حرام منتهی به ازدواج شود، نکاح صحیح است [۳۷، ص ۶۱]. منع ازدواج دائم بدون ثبت نیز از این قبیل است، زیرا عدم ثبت دارای مجازات کیفری است، بدون آنکه تأثیری در صحت نکاح داشته باشد.

د) اگر نتیجه و حاصل عملی، مورد نهی قانونگذار قرار گیرد، مخالفت با نهی، موجب بی‌ارزش بودن، فساد و بطلان آن عمل خواهد بود. ماده ۶۵۴ قانون مدنی، نمونه‌ای قابل ذکر برای این قسمت است [۳۷، ص ۶۲].

هـ) گاه نهی قانونگذار به سبب محافظت از نظم عمومی و اخلاق حسنه است که در این صورت به موجب ماده ۹۷۵ قانون مدنی باید قائل به بطلان قراردادی شد که برخلاف نظم عمومی است یا اخلاق حسنه را زیر پا گذاشته است. قابل ذکر است که نظم عمومی و اخلاق حسنه، مفهومی عام است که کلیه قواعد آمره را که نقض آنها موجب بطلان قرارداد است دربرمی‌گیرد. به دیگر سخن، نظم عمومی و اخلاق حسنه شامل موارد دیگری که نهی موجب فساد معامله است نیز خواهد شد.

اگرچه به نظر می‌رسد جهت نامشروع و وصف غرری آن، به طریقی که در قسمتهای «الف» و «د» مورد اشاره قرار گرفت قرارداد را مشمول نهی قانونگذار می‌کند، اما علت اصلی منع قانونگذار از چنین قراردادهایی، مخالفت آنها با نظم عمومی و اخلاق حسنه است.



پیش از پرداختن به دلیل مخالفت قرارداد هرمی با نظم عمومی و اخلاق حسنه، ابتدائاً باید نگاهی کوتاه به مفهوم نظم عمومی و اخلاق حسنه بیندازیم.

۶- نظم عمومی

تعریف دقیقی از مفهوم نظم عمومی نمی‌توان به دست داد و نیز نمی‌توان موارد آن را احصا کرد. تنها می‌توان گفت: نظم عمومی مبتنی بر فکر کلی برتری اجتماع نسبت به فرد و تفوق منافع عمومی نسبت به منافع خصوصی است. شاید بتوان گفت: نظم عمومی در حقوق داخلی هر کشور، سامانه‌ای است که منافع مادی و معنوی عموم مردم جامعه از طریق آن تأمین می‌شود و جامعه و دولت تخطی از آن را نمی‌پذیرند و قراردادهای خصوصی مغایر با آن را مردود اعلام می‌کنند. به عبارت دیگر، نظم عمومی در روابط داخلی، شامل قواعدی است که اراده افراد نمی‌تواند آنها را نقض کند. البته در قلمرو قراردادهای، قوانین امری و نظم عمومی جنبه استثنایی دارند و اصولاً اراده افراد حاکم و نافذ است [۳۸، ص ۵۱]. به دیگر سخن، در فقه اسلامی و حقوق مدنی به حکم قاعده تسلیط، هر مالکی نسبت به اموال خود، حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد (ماده ۳۰ ق.م) و دادگاهها نمی‌توانند قراردادهای خصوصی را که مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجرا گذارند (ماده ۹۷۵ قانون مدنی). در حقوق ایران و فقه امامیه، قراردادهای مشتمل بر ربا، قمار، غرر، اکل مال بباطل و ... بر خلاف نظم عمومی است.

اخلاق حسنه: اخلاق حسنه عبارت از اخلاق پسندیده اجتماعی و به تعبیر دیگر، منش و کردار نیکوکاران و افراد با تقوای جامعه است [۳۹، صص ۵۲-۵۳] اخلاق حسنه از مصادیق نظم عمومی است. به دیگر سخن، رابطه میان نظم عمومی و اخلاق حسنه، رابطه عام و خاص است.

شایان ذکر است که برای ابطال قراردادهای مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه لازم نیست که نص خاص قانونی راجع به منع آن وجود داشته باشد. برای باطل اعلام شدن، همین قدر کفایت می‌کند که قاضی، قرارداد را مخالف نظم عمومی یا اخلاق حسنه تشخیص دهد؛ زیرا اصولاً تشخیص نظم عمومی و اخلاق حسنه با قاضی است و ماده ۹۷۵ قانون مدنی، وجود نص خاص را لازم نشمرده است. در حقوق فرانسه نیز رویه قضایی همین نظر را پذیرفته است [۳۸، ص ۵۸]. علت آنکه قراردادهای هرمی را مخالف نظم عمومی می‌دانیم، آن

است که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی، پیامدهای زیانبار وسیعی در پی دارند که سبب اختلال در ساختمانهای اقتصادی و اجتماعی می‌شود.

فعالیت‌های شرکت‌های هرمی، نظام اقتصادی کشور را دچار نابسامانی‌های عمده می‌کند. براساس گزارشی که مرکز پژوهش‌های مجلس ارائه داده است تنها تا سال ۱۳۸۴ شرکت گلدکوئیست توانسته چیزی حدود ۲۴۰ میلیون دلار ارز، از کشور خارج کند که معادل هزینه‌ای است که برای ساخت و راه‌اندازی ده کارخانه نساجی مورد نیاز است [۴۰].

اگر فعالیت‌های سایر شرکت‌های هرمی را نیز مد نظر قراردهیم، میزان ارز خروجی از کشور بالغ بر مقادیر هنگفتی می‌شود، در حالی که ارز برای کشورهای در حال توسعه اهمیت فراوانی دارد، به‌گونه‌ای که هر فعالیتی که منجر به خروج بی‌رویه ارز شود، حساسیت‌زا خواهد بود. حتی اگر بازاریابی شبکه‌ای همه ویژگی‌های لازم را داشته باشد از آن جهت که مبدأ و پایگاه اصلی شرکت‌های مذکور خارج از کشور است، باز هم فعالیت آنها قابل پذیرش نیست، به‌ویژه آنکه این گونه شرکت‌ها در برابر دریافت ارز هیچ فعالیت اقتصادی مثبتی ندارند.

ممکن است گفته شود این شرکت‌ها در برابر دریافت ارز، طلا و الماس به مشتریان خود می‌دهند که پشتوانه‌ای برای اقتصاد کشور است؛ اما این نظر نیز قابل تأیید نیست، زیرا اولاً در حقوق برخی از کشورها [۴۱، ص ۳۷] و از جمله ایران، آنچه پشتوانه اسکناس است تنها طلا است و آن هم طلای موجود در بانک مرکزی، نه طلایی که در دست اشخاص است و ثانیاً آنچه به‌عنوان عوض قرارداد تسلیم می‌شود، ارزشی به‌مراتب کمتر از ارز پرداختی دارد. علاوه بر این، نباید فراموش کرد که دسیسه‌های هرمی، نوعی کلاهبرداری محسوب می‌شوند که با توجه به گستردگی فعالیت‌های شبکه‌های هرمی واضح است کلاهبرداری در چنین مقیاس وسیعی، نظم عمومی جامعه را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد.

طبیعی است اگر وضعیت اقتصادی جامعه نابسامان گردد، پیامدهای اجتماعی ناگوار آن، ناگزیر خواهد بود. یک نمونه قابل توجه که به‌وضوح اثر عمیق و نامطلوب فعالیت‌های شرکت‌های هرمی را بر نظم عمومی نمایان می‌سازد، کشور آلبانی است. در دهه ۹۰ سامانه‌های هرمی، نفوذ خود را در این کشور گسترش دادند، به‌گونه‌ای که دوسوم از جمعیت کشور آلبانی، درگیر فعالیت‌های هرمی شدند. ساکنان شهرها با فروش خانه و اثاثیه خود و گرفتن وام با بهره‌های سنگین و روستاییان با فروش زمین و حیوانات خود، عضو



این شبکه‌ها می‌شدند. با وجود آنکه تعداد زیادی عضو شبکه‌ها شده بودند و حسب ادعای این بنگاهها بایست منافع کلانی به دست می‌آوردند، اما هرگز چنین اتفاقی رخ نداد و درصد بسیار بالایی از مردم نه تنها هیچ منفعتی کسب نکردند، بلکه سرمایه خود را نیز بر باد رفته دیدند و دولت نیز که مانع از فعالیت گسترده این شبکه‌ها نشده بود به ناگاه خود را در برابر اعتراض مردم فریب خورده و شورشها دید. نا آرامیها وضعیت کشور را به لحاظ اقتصادی و اجتماعی در بحرانی بی‌سابقه در سال ۱۹۹۶ قرار داد. تعداد زیادی در ناآرامیها کشته شدند، رئیس جمهور مجبور به استعفا شد و مجلس منحل گردید. نهایتاً دولت ناگزیر به تصویب سریع قانونی شد که کلیه فعالیتهای شرکتهای هرمی را ممنوع ساخت.

تجربه آلبانی، کشورهای دیگر را به سمت پیش‌بینی قوانین سختگیرانه‌تری در خصوص فعالیتهای هرمی سوق داد. در حقوق فرانسه به موجب ماده ۶-۱۲۲ قانون مصرف، نه تنها فروش هرمی ممنوع گردیده است، بلکه برای جلوگیری از سوء استفاده اشخاصی که به طرق غیر هرمی اما با توسل به شیوه‌های مشابه زنجیره‌ای بی‌پایان، قصد کلاهبرداری دارند، همه روشهای مشابه فروش هرمی را ممنوع اعلام کرده‌اند. ماده ۷-۱۲۲ همین قانون، علاوه بر استرداد مبالغ دریافتی، مجازات ۴۵۰۰ یورو و یک سال حبس را برای فعالان این تجارت نامشروع مقرر کرده است [۴۳].

در آمریکا نیز در سال ۲۰۰۳ طرحی به کنگره ارائه شده که به نحوی جامع، فعالیتهای شرکتهای هرمی را مورد توجه قرار داده و آن را ممنوع ساخته است [۴۱].

بی‌جهت نیست که در ایران، فعالیتهای شبکه‌های هرمی تحت قانون «اخلال در نظام اقتصادی کشور» ممنوع شده است که ارتباط آن را با نظم عمومی اقتصادی آشکار می‌سازد. اخلاق حسنه نیز به هیچ روی تاب پذیرش چنین معاملاتی را ندارد، زیرا شگرد اصلی فروش و بازاریابی هرمی، مبتنی بر فریبکاری و کلاهبرداری است که در تعارض آشکار با قواعد اخلاقی است. گزارش مرکز پژوهشهای مجلس به‌خوبی نشان می‌دهد روشهای عضوگیری این شبکه‌ها بیشتر متمرکز بر جذب دوستان و اقوام است و بررسی شیوه‌های آنها آشکار می‌سازد که چگونه اعضای این شرکتهای با توجه به شناختی که از روحیات و نقاط قوت و ضعف شخصیتی نزدیکان خود دارند از آنها برای ارضای روحیه سودجویانه و ریاکارانه خود سوء استفاده می‌کنند [۴۵]. این امر سبب می‌شود رابطه اعتماد و همدلی میان

اشخاص رخت بربندد و اختلافات عمیقی میان آنها شکل گیرد که سقوط ارزشهای اخلاقی پیامد ابتدایی آن است.

فروش اجباری کالایی با چندین برابر ارزش واقعی به منظور صدور اجازه برای ورود به سامانه و تبدیل شدن به بازاریسازی در جهت منافع شرکت نیز امری است که اخلاق آن را مذموم می‌شمارد و هرگز بدان تن در نمی‌دهد [۱۹].

از همین رو، قراردادهای هرمی، مخالف با اخلاق حسنه است و به همین سبب، باطل و فاقد اعتبار محسوب می‌شود.

۷- نتیجه‌گیری

از تحلیلی که ارائه گردید، تردیدی در بطلان معامله از منظر فقه امامیه و قواعد حقوقی جمهوری اسلامی باقی نمی‌ماند. همان طور که دیدیم قرارداد فروش هرمی، ماهیتاً نوعی اکل مال به باطل محسوب می‌گردد که منابع فقهی و قانونی آن را صراحتاً باطل معرفی می‌کنند. از سوی دیگر، موضوع قرارداد با ابهاماتی همراه است که سبب غرری شدن معامله می‌گردد. علاوه بر این، چنین قراردادهایی در نظر عقلا با خطرهایی قطعی همراهند که بر غرری بودن قرارداد صحه می‌گذارد. از سوی دیگر، وجود جهت نامشروع در قرارداد نیز نظریه بطلان آن را تقویت می‌کند، افزون بر آن که گسترش فعالیت‌های شرکت‌های هرمی همان‌گونه که تجربه آلبانی نشان می‌دهد، نظم عمومی را به شدت تحت تأثیرات ناگوار خود قرار می‌دهد. شیوه‌های فریبکارانه و متقلبانه فروش اجباری و بازاریابی، اخلاق حسنه را نیز مخدوش می‌سازد که نتیجه، چیزی جز بطلان قرارداد نخواهد بود.

اگرچه جرم انگاری این پدیده از سوی قانونگذار می‌تواند تا حدودی رشد فزاینده فعالیت‌های هرمی را کُند سازد و از این جهت شایسته تقدیر است، اما قانون به صراحت و به تفصیل به وضعیت حقوقی قرارداد اشاره نکرده و از بطلان آن بر خلاف حقوق سایر کشورها که به ممنوعیت و بی‌اعتباری این قرارداد تصریح کرده و سبب آن را بر می‌شمارند، سخنی نمی‌گوید. در حالی که همان‌گونه که گذشت صرف مخالفت قانون با یک رابطه حقوقی به منزله بطلان آن نیست. تصریح به بطلان چنین قراردادهایی این حسن را دارد که توجه خریداران و واردین به مجموعه‌های هرمی را به وضعیت حقوقی خود کاملاً جلب می‌کند و



جلوی سوءاستفاده‌های بنگاهها در فریب اشخاص و مشروع جلوه دادن قرارداد را به نحو مؤثرتر مسدود می‌سازد. علاوه بر این، دادگاهها را در مواجهه با وضعیت حقوقی قرارداد از اتخاذ رویه‌های گوناگون باز می‌دارد.

۸- منابع

- [۱] معاونت اجتماعی و اطلاع رسانی قوه قضاییه، دفتر امور اجتماعی و اطلاع رسانی استان اصفهان، «بررسی فعالیتهای شرکتهای شبه لاتاری» [جزوه ۱۱۶ صفحه‌ای]، ۱۳۸۱.
- [۲] علیان نژادی دامغانی، ابوالقاسم؛ *بازاریابی شبکه‌ای یا کلاهبرداری مرموز*؛ چ ۱، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۴.
- [۳] *جزوه آموزشی EVU*، مقاله «همه چیز درباره EVU».
- [۴] جوان آراسته، حسین؛ مبانی حکومت اسلامی؛ ویرایش دوم، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۲.
- [۵] موسوی خمینی (امام خمینی)، سیدروح...؛ کتاب البیع؛ ط ۵، ج ۲، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۵.
- [۶] جوادی آملی، آیه... عبدالله؛ *ولایت فقیه ولایت فقاہت و عدالت*؛ چ ۱، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸.
- [۷] قدیمی، محمدرضا؛ *بازاریابی هرم شکست یا پیروزی*؛ قابل دسترس در لوح فشرده نمایه.
- [۸] «در مذمت گلدکوئیست - مگر می شود همه سود ببرند»، قابل دسترس در لوح فشرده نمایه.
- [۹] نقشینه ارجمند، امید؛ آیا بازاریابی شبکه‌ای بازاریابی است؟؛ قابل دسترسی در www.NMS.ir.
- [۱۰] فنواتی، جلیل، سید حسن وحدتی شبیری و ابراهیم عبدی پور؛ زیر نظر دکتر سید مصطفی محقق داماد، *حقوق قراردادهای فقه امامیه*؛ ج ۱، سمت، تهران ۱۳۷۹.
- [۱۱] کاتوزیان، حمیدرضا (نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و از حامیان طرح ممنوعیت فعالیت شرکتهای و مؤسسات با ساختار هرمی با شبکه‌های بی انتها از قبیل گلدکوئیست)؛ *روزنامه خراسان*؛ ش ۱۶۱۳۶، ۱۳۸۴/۴/۵.
- [۱۲] طباطبایی، علامه سید محمد حسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ط ۳، ج ۲، مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۳۹۳ هـ. ق.

- [۱۳] مکارم شیرازی، آیه... ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ دوره ۲۷ جلدی، ج ۳.
- [۱۴] طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱، تهران، الاسلامیه، بی تا.
- [۱۵] حر عاملی، شیخ محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ ج ۸، ط ۵، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۱ ه.ق، ص ۵۹۹؛ کتاب الحج، ابواب و احکام العشره، باب ۱۵۲، حدیث ۱۲.
- [۱۶] حبیب زاده، محمد جعفر؛ کلامبرداری در حقوق ایران؛ دانشگاه شاهد، تهران، ۱۳۷۴.
- [۱۷] محقق داماد، سید مصطفی؛ قواعد فقه؛ بخش مدنی، ویرایش دوم، چ ۱۰، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۳۸۲.
- [۱۸] محمدی، ابوالحسن؛ قواعد فقه؛ چ ۴، دادگستر، تهران، ۱۳۷۹.
- [۱۹] نقشینه ارجمند، امید؛ چرا فعالیت در بازاریابی چند سطحی قمار است؟؛ قابل دسترسی در www.NMS.ir.
- [۲۰] موسویان، سید عباس؛ طعم تلخ گلدکوئیست؛ قابل دسترس در www.NMS.ir.
- [۲۱] نقشینه ارجمند، امید؛ چرا بازاریابی شبکه‌ای اشباع می شود؟؛ قابل دسترسی در www.NMS.ir.
- [۲۲] امامی، مسعود؛ بررسی دلایل فقهی حرمت سیستمهایی همچون گلدکوئیست؛ قابل دسترسی در www.NMS.ir.
- [23] Sherman, Andrew j, Franchising and licensing: Two Ways to Build Your Business, Ama com div American Mgmt Assn, USA, 2002
- [24] Illegal pyramid selling schemes, available at: www.Crimes-of-persuasion.Com/crimes/delivered/pyramids/html.
- [25] www.Dti.gov.uk/consumer/fact-sheets/pages/247-52/html.
- [۲۶] انصاری، شیخ مرتضی؛ المکاسب، چ سنگی؛ بی تا، تبریز، ۱۳۷۵ ه.ق.
- [۲۷] موسوی خمینی(امام خمینی)، سیدروح ا...، المکاسب المحرمه، ج ۲، ط ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم، ۱۳۷۴.
- [28] Power, Dennis M, *The Internet Legal Guide: Every Thing You Need to Know When Doing Business Online*, 2nd.ed, John willey and sons, USA, 2002.
- [29] Illegal pyramid Selling schemes, op.cit.



- [30] Henderson, Lesfrandes, *Crimes of Persuasion Schemes Scams Frauds*, 3rd ed, USA, Coyote Ridge Pub, 2000.
- [۳۱] زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، ج ۱۳، منشورات مکتبه الحیاه، بیروت.
- [۳۲] ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۱۰، ط ۱، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- [۳۳] قمی، میرزا ابولقاسم، *جامع الشتات*، چ سنگی، ایران، بی تا.
- [۳۴] شهیدی، مهدی، *تشکیل قراردادهای و تعهدات*، حقوقدان، تهران، ۱۳۷۷.
- [۳۵] کاتوزیان، ناصر، *قواعد عمومی قراردادهای*، ج ۲، چ ۴، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، تهران، ۱۳۷۶.
- [۳۶] محقق داماد، سید مصطفی، *مباحثی از اصول فقه*، دفتر اول: مباحث الفاظ، چ ۹، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.
- [۳۷] محمدی، ابوالحسن، *مبانی استنباط حقوق اسلامی*، چ ۱۰، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- [۳۸] صفایی، سید حسین، *قواعد عمومی قراردادهای*، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.
- [۳۹] کاتوزیان، ناصر، *اعمال حقوقی*؛ تهران، شرکت انتشار، ۱۳۷۰، ش ۵۸.
- [۴۰] شریفی، فاطمه، «تجارت سیاه» (گزارشی درباره پدیده گلدکوئیست در اینترنت)، قابل دسترسی در لوح فشرده نمایه.
- [41] Metzler Mark, *Lever of Empire, The International Gold Standard and the Crisis of Liberalism in Prewar Japan*, USA, University of California Press, 2006.
- [42] Jeffries, Lan, *Eastern Europe at the Turn of Twenty First Century, A Guide to the Economics in Transition*, 7th ed, Routledge, Uk, 2002.
- [43] Legifrance. *Com/waspad/Recherche simple article code/html*.
- [44] www.Mlmwatch.blog.Com/Rc-HR 7220/riverwalk/html.
- [45] www.mlm.ir.